

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان:
A Terminological and Genealogical Investigation of "Goat" in Indo-European
Languages and Tracing its Roots in Artworks of Water and the Tree of Life
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

بررسی واژه‌شناختی و تبارشناختی «بز» در زبان‌های هندواروپایی و ردیابی آن در نگاره‌های مرتبط با آب و درخت زندگی

شهاب‌الدین قناطر*

کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۳۰

چکیده

بز از حیوانات بسیار تأثیرگذار در فرهنگ و تمدن بشری بوده که در نقاط مختلف جهان ویژگی‌های خاص و متفاوتی را به او نسبت داده‌اند. این حیوان در نقوش ایران باستان به وفور ظاهر شده که نماد «هوشمندی، سیاس بودن، محافظ زمین و درخت زندگی و در ارتباط با آب، ماه و زنانگی» است. این مقاله با تأکید بر نقش و نگاره بز و پیوند او با دوگانه آب-درخت زندگی به معرفی و تحلیل اسطوره بز در ایران و جهان از طریق زبان‌شناسی به ریشه‌ها و تبارشناسی اسطوره پرداخته و واژه‌های šahāz در لری به معنی «بز پیشتاز گله»، ožka در لیتوانیایی «بز»، užd در ارمنی «بز» را بررسی و در نقوش مذکور ردیابی کرده است. این پژوهش چگونگی روند ایجاد نشانه بز به عنوان نماد آب و نگهبان درخت زندگی را پیگیری می‌کند و روش آن تحلیلی با تکیه بر زبان‌شناسی بوده و به ارتباط ریشه واژه بز در اسطوره‌های جهان پرداخته و حضور پرتکرار این حیوان را در نقوش هنری بررسی کرده است. نتیجه آن است که ایجاد نشانه‌های اسطوره‌ای نزد بشر به دال‌هایی بسیار ساده و غیرانتزاعی بازمی‌گردد و در مورد بز شامل مفاهیمی از جمله «جست و خیز، جنگیدن، بوییدن، جوییدن» می‌شود.

واژگان کلیدی: تبارشناسی، اسطوره، بز، آب، درخت زندگی.

مقدمه

ریشه‌شناسی خود گونه‌ای از نشانه‌شناسی تاریخی-زبانی است و به روند تحول آوایی و معنایی یک واژه در فرهنگ اعصار مختلف گفته می‌شود، برخورد انسان در طی هزاره‌های گوناگون با اشیاء و پیرامون خود مدام در حال دگرگونی‌های معنایی و شکلی بوده که از ۸۰۰۰ سال پیش از میلاد تا کنون شاهد تولید فرهنگ‌ها و نشانه‌های خاصی در نظم نمادین بشری هستیم که ماهیت او و جهان زیستی‌اش را آشکار می‌سازد. نحوه پیدایش ادیان با تأکید بر نگاه استعلایی یکی از ویژگی‌های مهم بازه فوق بوده که این نگاه طی تحول انقلابات کوپرنیکی فلسفه و علم رو به تحول انضمامی نهاد! بز به عنوان یک پدیده در زیستگاه بشری دارای ویژگی‌های خاصی بوده که بشر تفسیر خود از آن حیوان را با واژه‌های مشابه-هم‌معنی در قالب تصاویر و نمادها در طی تاریخ ثبت کرده که در بخش اسطوره‌شناسی به پراکندگی مفهومی این حیوان در طول تاریخ و در بخش واژه‌شناسی به تفسیر بشر از بز پرداخته شده

نقش اسطوره‌ای «بز» به عنوان یک کهن‌الگو در گذر زمان و در میان اقوام مختلف جهان از طریق ریشه‌های زبانی و تبارشناسی در فرهنگ و هنر ایران و سایر تمدن‌های کهن معرفی و تحلیل شده است. به سبب رفتار گونه‌های مختلف بز در سرزمین‌های گوناگون انواع نمادپردازی خدا-بز دیده می‌شود که در روند تولید نشانه و نماد آن و هر نوع نماد دیگر در فرهنگ بشری ما با شبکه مفهومی-عینی تاریخی مواجه‌ایم که نیازمند تفحص در تمامی ساحت‌های رابطه انسان با خود و پیرامونش (از جمله جانداران) است که شامل رفتارشناسی، نوروپدیدارشناسی، نوروفلسفه و روش‌های بی‌شمار دیگر می‌شود که در این مقاله مجال گشودن آن نیست. اما توجه ویژه این پژوهش به ریشه‌شناسی واژگان مربوط به «بز» و نسبت‌های دال و مدلولی است، زیرا

را در ساحت‌های تک‌سویه بررسی کرده‌اند از جمله: روتس در مقاله «بزها در خاور نزدیک باستان و رابطه آن‌ها با فولکلور، اسطوره و افسانه» (Rotes, 2020) تحلیلی اسطوره‌شناختی از مفاهیم اطلاق‌شده به بز ارائه کرده که صرفاً توصیفی است، مانند: «شرح انکی به‌عنوان انسان-ماهی در بردارنده جلوه‌ای از بز» اما این مقاله تحلیل جدیدی از چرایی تولید چنین الگوهای نشانه‌ای نزد مردمان منطقه ندارد. رزقی‌راد (Rezghi-rad, 2017) در مقاله «بررسی تحلیلی و معنایی نمادهای درخت زندگی و بز در تمدن جیرفت» کوشیده نماد بز در کنار درخت زندگی را بررسی کند اما مانند روتس علت و چرایی قرارگرفتن معنی «بز به عنوان محافظ درخت زندگی و زمین» را نشان نداده. افضل طوسی (۱۳۹۰) در مقاله «گلیم حافظ نگاره بزکوهی از دوران باستان» به رابطه بز کوهی با آن‌هیتا ایزدبانوی آب اشاره کرده و نمونه‌هایی از رابطه نقوش بز در تپه‌حصار و شوش را به عنوان دو شاهد از یک مفهوم مرتبط با آب معرفی کرده است. اما در هیچ‌یک از این مقالات کوششی برای تبارشناسی مفهومی بز توسط انسان و به آنچه در این حیوان با «آب، ماه، بارندگی، درخت زندگی، سیاست‌بودن و هوش» مرتبط است و منشأ آن نشده. مقاله حاضر کوششی در جهت بررسی تبارشناختی و واژه‌شناختی بز به‌عنوان یکی از اسطوره‌ای‌ترین حیوانات نزد بشر که حضور پرتکرار او در نقوش هنری به ویژه در ارتباط با آب و درخت زندگی است. ویژگی این پژوهش نسبت به کوشش‌های پیشین نگرش نو در نمادشناسی نقوش هنری با تکیه بر تبارشناسی بز از طریق واژه‌شناسی مفاهیم زبانی است.

روش تحقیق

این تحقیق به شیوه تحلیلی انجام شده که ابتدا تصاویر ویژه مرتبط با بز-آب-درخت زندگی در تمدن ایران و میان‌رودان معرفی شده است. سپس به بررسی شواهد زبان‌شناختی و ارتباط آن با مفاهیم تولیدشده برای بز توسط انسان پرداخته که شامل تبارشناسی مفاهیمی چون «هوشمندی و سیاست‌بودن، محافظ زمین و درخت زندگی، نماد آب و ماه و زنانگی» است. جمع‌آوری داده‌ها از جست‌وجو در منابع کتابخانه‌ای و پایگاه‌های اینترنتی معتبر به انجام رسیده و در گام آخر با تجزیه و تحلیل اطلاعات نتیجه‌گیری انجام شده است.

مبانی نظری

از آنجا که اسطوره ریشه در واقعیت داشته و دانش و بینش بشر را در گذر زمان بیان می‌کند، با بررسی مفاهیم گفتاری، نوشتاری و تصویری مرتبط با بز می‌توان ریشه‌های انضمامی مفاهیم تولیدشده برای این حیوان را باز یافت. به اعتقاد نیچه

است، چراکه ریشه‌شناسی کمکی شایان به تبارشناسی مفهومی یک موضوع گنجانده‌شده در دال یا نشانه دارد. از آنجاکه دال زبانی به خودی خود هیچ ارتباطی به مدلول زبانی ندارد موضوع این پژوهش و ادعای آن کشف روند دال‌شناسانه نیست. از این رو برای هر یک از ارجاعات در روند دالی واژگان به معتبرترین کتب ریشه‌شناسی لاتین و ایرانی ارجاع داده شده است. همچنین در تصاویر ارائه‌شده از بز، نشانه‌های تصویری برخاسته از اسطوره‌ها ارتباط تنگاتنگی با مدلول‌شناسی تبارشناسانه واژگان مورد بحث دارد. شواهد زبان‌شناختی هندواروپایی، نشان می‌دهند که نام‌گذاری انسان در این زبان‌ها بر اساس قدرت، ستیز و جنگندگی بوده؛ برای نمونه ریشه vir در لاتین باستان به ترتیب (مرد) با ریشه *ueih- (دنبال کردن، ستیز و جنگیدن) (de Vaan, 2008, 681) و ریشه pati و patni در سنسکریت باستان به ترتیب (مرد و زن) با ریشه *poti- (نیرومند) (حسن دوست، ۱۳۹۵، ۴۰۰) و ریشه nar و nārīk در فارسی میانه به ترتیب (مرد و زن) با ریشه *hner- (قدرت) (همان، ۲۷۳۹) جملگی نشان می‌دهند که نگرش انسان نسبت به موجوداتی با ویژگی‌هایی مهم و شاخص مانند ستیزه‌جویی، دنبال کردن، جنگیدن و نیرومندی مثبت بوده است. شواهد زیست‌شناختی نشان می‌دهد این حیوان حس بویایی بسیار قوی دارد و با توجه به نحوه اشتقاق فراگیر معنایی بویایی می‌شود چنین برداشت کرد که بشر ابتدایی این حس را یکی از مهم‌ترین حواس می‌دانسته، بنابراین بز را به‌عنوان حیوان هوشمند، برگزیده و ارتباط با او برایش بسیار ارزشمند شده است. ریشه واژه بوییدن از نیای هندواروپایی *bheudh- (بیدار بودن، مشاهده کردن) که هم‌ریشه است با واژه سنسکریت-budh (بیدار، آگاه شدن، دریافتن)، دیگر واژه سنسکریت buddhi- (ادراک، آگاهی)، لیتوانیایی budinti- (بیدار کردن)، اوستایی baod- (حس کردن)، اوستایی pati-baod- (بیدار و هوشیار شدن)، پارتی-pdbws- (خواستن، میل داشتن)، فارسی būsīdan (بوسیدن)، bīyūsīdan (منتظر بودن، امیدداشتن)، سکایی bud- (بو بردن، دریافتن، دانستن)، būd- (خوشبو بودن، معطر بودن)، فارسی میانه bōd (ادراک، آگاهی)، یونانی باستان πυνθάνομαι (می‌آموزم، می‌شنوم، می‌پرسم، می‌نگرم)^۲ (Cheung, 2007, 14-15). پس بوییدن با فهمیدن، دیدن، شنیدن، گفتن، بررسی کردن، اعلام کردن، بوسیدن، خواستن، میل داشتن، آموختن، پرسیدن، دقت کردن و مراقبت کردن مربوط است. واضح است که «بو» از اهمیت بسیار بالایی نزد بشر برخوردار بوده، چنان که بسیاری از افعال دیگر بدن، از این ریشه وام گرفته شده است.

پیشینه پژوهش

بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در منابع ایرانی و غیرایرانی، بز

این واژه از ریشه نیای هندواروپایی *-skew** (دنبال کردن) هم‌ریشه است با واژگان اوستایی *-hac* (دنبال کردن)، سنسکریت *-sac* (دنبال کردن)، یونانی *επομαι* (دنبال می‌کنم)، لاتین *sequitur* (دنبال می‌کند)، ایرلندی باستان *sechithir* (دنبال می‌کند)، لتونیایی *sekt* (دنبال کردن)، پهلوی اشکانی *-haxs* (پیروی کردن، دنبال کردن)، فارسی میانه زرتشتی *hāzišn* (ارشاد، ترغیب)، *nahāzīdan* (ترسیدن، دوررفتن، گریختن)، فارسی *nahāz* (پیشرو، رهبر)، گویش انارکی *čānāye* (دنبال کردن)، بلوچی *šōhāz* (جستجو، پژوهش، تحقیق، طلب، کسب)، لری *šahāz* (بز بزرگ، شاه بز). براساس این ریشه انسان خود و بز را در صفت جستجوگر بودن یکسان می‌پنداشته، همچنین این مفهوم ریشه در «دنبال‌هرو بودن یا همراهی کردن» دارد، و احتمال هم‌ریشه بودن *šahāz* (بز پیشرو گله) با *society* (جمع انسانی) وجود دارد. همچنین حرف اضافه و علامت مفعول با واسطه *az* در فارسی با واژگان اوستایی *hačā* (از)، سنسکریت *sācā* (باهم، در کنار، با)، فارسی میانه *hač* (از) هم‌ریشه است. بنابراین «از» نشانه تعیین کردن مبدأ مکانی یا زمانی و در واقع جهت (دنبال کردن یا همراهی) است. از طرفی احتمالاً واژه با واژگان *to say* انگلیسی (گفتن)، *insece* لاتین باستان (گفتن)، انگلیسی باستان *secgan de Vaan, 2008, 555-556 & 569; Cheung, 2007, 124-125; Pokorny, 2007, 2591-2592; Kroonen, 2013, 420*; طاهری، ۱۳۸۹؛ منصوری، ۱۳۸۴، ۲۰۵-۲۰۶؛ جهان‌دیده، ۱۳۹۶). شواهد فوق دال بر پیوند تنگاتنگ مفهوم «بز» به‌عنوان حیوان «رهبر، جامعه‌ساز، بیننده، گوینده، جوینده، سرکش و فرمانبر هم‌زمان» است که «جویندگی» در تصاویر ۲، ۱ الف و ۱ ب و «شکوه سرکشی و رهبری» در تصویر ۳ واضح است، از سوی دیگر تصویر هوم به‌عنوان گیاه زندگی در میان شاخ بز ارتباط این راهبری با باروری را نشان می‌دهد.

ریشه‌شناسی واژه *ožka* (بز) از زبان لیتوانیایی

ریشه این واژه از نیای هندواروپایی **H₂ eǵ-* (راندن، کوشیدن، حرکت کردن) آمده، این واژه هم‌ریشه است با واژگان اوستایی *-az* (رهبری کردن، راهنمایی کردن)، فارسی میانه *niyāz* (خواست، خواهش، تمنا)، *hays-* (راندن، فرستادن)، گویش خوانساری *vis-/viz* (جستن)، قهرودی *vūšta/vūz-* (یافتن)، *jušt-/juz-* (یافتن). شاید بتوان واژه «آز» فارسی به‌معنی طمع را از این ریشه دانست؛ البته از طریق معنی (دنبال کردن). این ریشه با یونانی *ἄγω* (می‌آورم، رهبری می‌کنم، به اسارت می‌برم، فرماندهی می‌کنم)، لاتینی باستان *agere* (دنبال کردن)، *cogitare* (اندیشیدن)

انسان وقتی چیزهای زیادی را که روزی در طول تاریخ مخفی کرده، بازمی‌یابد، حس کشف حقیقت به او دست می‌دهد. اساطیر و تمامی نشانه‌های تولیدشده توسط بشر شامل همین حس غرور کشف حقیقت است و واضح است که بازگشت تمامی نشانه‌ها به حالات و صورت‌های کاملاً بدوی بوده که به مرور به سوی پروارتر شدن معنا یا دال و مدلول‌ها سوق داده شده‌اند، اگر رابطه‌ای میان ماه، درخت، بز، آب و زنانگی وجود ندارد، آن هم در بستری که گویا بوی حقیقتی اصیل از آن می‌آمده تا حدی که روزی این حیوان به‌عنوان نوعی خدا پرستش می‌شده است، پس ریشه این نمادها و مفهوم پردازی‌ها در چیست؟ همان‌طور که نیچه در کتاب «تبارشناسی اخلاق» با روش ریشه‌شناسی واژگان نشان داد که ریشه مفاهیم اخلاقی نزد بشر کاملاً انضمامی است، نشانه‌شناسی و تبارشناسی - زبان‌شناسی در بررسی بز به ما مدد می‌رسانند (نیچه، ۱۳۷۷).

اسطوره «بز» در اساطیر جهان

بز در اسطوره‌های جهان نقش مهمی داشته و ارتباط او با انسان دارای ویژگی‌هایی است که این حیوان نمادی پرتکرار را در نگاره‌های هنری اقوام مختلف دنیا به خود اختصاص داده است. در اساطیر یونان و روم باستان بز نر با پان، سیلوانوس، فاونوس، باکوس و دیونیزوس و بز ماده با دیانا و آرمیس و در سومر با مردوک همراه بوده‌اند. بز در هند حامی زنان باردار بوده و ارابه آگنی خدای آتش را بزها می‌کشیدند. در اسطوره اسکاندیناوی، بزهای *thor* ذبح شده و دوباره زنده می‌شوند. نمادهای دوگانه بز در جهان شامل صفات خیر و شر بوده اما در ایران نماد حاصل‌خیزی، باران، ماه، رهبری، قدرت و نیروی الهی است. این حیوان باهوش و عجیب جزو اولین حیوانات رام‌شده به‌دست بشر است که اگر رها شود به سرعت به خوی طبیعی خود بازمی‌گردد. سپر زئوس از پوست بز و تاجش از شاخ بزی بوده به نام *AMALTHEIA* که او را شیر داده و نماد طلوع، طوفان و فراوانی آب است (Smith, 1844; Rotes, 2020, 10; Staszczuk, 2020; Weaver, 2021, 143).

شاخ بز به ماه (هلالی شکل بودن) و نور سفید ماه به سردی و آب مربوط‌اند. ارتباط بز با دیونیزوس خدای شهوات می‌تواند به مفهوم باروری، آب، کشاورزی و باران نیز اشاره داشته باشد (آورزمانی و جوادی، ۱۴۰۱).

واژه‌شناسی بز (بررسی چند ریشه مهم با معنی بز در زبان‌های هندواروپایی)

تعریف انسان به‌عنوان موجود رهبر با ریشه‌شناسی واژه *society* و هم‌ریشگی آن با واژه بلوچی *šōhāz*:

یا درخت زندگی باشد. **تصویر ۲** بر گونه‌ای ایستادن جویشی-پویشی برای خوراک از درخت تأکید دارد که می‌تواند حامل معانی مانند «حق جویی، باروری، فهمیدگی، راست‌قامتی بر دو پا چونان انسان و زاینده‌گی» باشد. **تصویر ۳** با تأکید بر «شکوه و صلابت ایستندگی و قرار بز» و رابطه بز با «هوم» گیاه زایش در اندیشه ایران باستان ارتباطی میان «زاینده‌گی، فهم، آب، راست‌قامتی و رهبرمآبی» برقرار کرده است.

نتیجه‌گیری

شواهد زبان‌شناختی نشان می‌دهد که بز از دید انسان، حیوانی جمعیت‌ساز بوده که این مفهوم را می‌توان در هم‌ریشگی دو واژه *šahāz* (بز پیشتاز گله) و *society* (جامعه) دید که هر دو از ریشه هندواروپایی **skew-* (دنبال کردن) می‌آیند؛ *cogitare* در لاتین باستان (اندیشیدن) با *ožka* در لیتوانیایی به معنی بز هردو از ریشه **H₂eg-* (راندن) می‌آیند، از آنجا که موضوع (اندیشه) برای انسان با (کوشیدن و تحرک) همراه بوده با ستیز و بازیگوشی بز بی‌ارتباط نیست. از این رو دانا و سیاست‌بودن بز می‌تواند ریشه در همین ایده ساده «جست‌وخیز بیش از حد، و یا بوییدن به معنی بیداری یا آگاهی و مشاهده کردن» داشته باشد. شخصیت بز به عنوان موجودی که سعی بر ایستادن کرده تا از برگ‌های درخت مقدس زندگی «حق، راستی و ایستادگی» تغذیه کند، مورد توجه انسان واقع شده و از این رو است که نقش این حیوان را به کرات بر انواع و اقسام اشیاء سنگی، گلی و فلزی حک نموده است^۱. ارتباط ماه (آب و باروری) با شاخ بز و رابطه بز با بارندگی که نماد باروری است می‌تواند ریشه در مراقبت بز از درخت و ایستادن او بر دوپا در کنار درخت داشته باشد، چراکه درخت نماد زایش، استواری و حقیقت است. همین ایده تا امروز در مفهوم تراژدی یا تراگودیا زنده مانده، و اساساً حفظ زایش، توالد، حقیقت و راستی تمامیت آن چیزی است که می‌توان نام زندگی بر آن نهاد و برای این مهم به سوگ و

هم‌ریشه بوده و در تخاری و ارمنی به ترتیب *-āk* و *-acem* (رهبری کردن) از همین ریشه آمده‌اند (Cheung, 2007, 171-172). شواهد فوق نشانگر رابطه مفهوم «بز» به عنوان حیوان «رهبر، اندیشمند، طمعکار، پر جست‌وخیز، خواهان، تمناگر» است که «پر جست‌وخیز» بودنش در **تصاویر ۱ الف، اب** مشهود است و همچنین موج بودن شاخ‌ها باز ارتباط این جست‌وخیز با آب را در یک مفهوم می‌گنجاند.

بز در زبان ارمنی *սյրծ* ریشه‌شناسی واژه

این واژه با واژه *ožka* لیتوانیایی هم‌سرچشمه بوده و هم‌ریشه است با واژگان یونانی باستان *αἴξ* «بز ماده»، اوستایی نو *īzaēna-* «چرمی» (Martirosyan, 2010, 58).

اهمیت مفهوم ایستادن، درخت، حقیقت، اندیشیدن و بز ایستاده در کنار درخت زندگی

شواهد زبان‌شناختی حاکی از آن است که مفهوم «ایستادن» برای بشر یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم بوده، تا آنجا که واژگانی مانند *understand* (فهمیدن) و *substance* (وجود، جوهر) و *system* (سازمان) و *establish* (ایجاد کردن) و *stanza* (قطعه شعر) و بسیاری واژه دیگر از همین ریشه یعنی «ایستادن» فارسی است. در زبان آلمانی *verstehen* (فهمیدن) از همین ریشه است که همگی این واژگان ریشه در نیای هندواروپایی **steH₂* (ایستادن، قرار گرفتن) دارند (Cheung, 2007, 358-361). از سوی دیگر واژگان *true* (حقیقت) و *tree* (درخت) در زبان انگلیسی ریشه مشترک نیای هندواروپایی **deru-* می‌آیند که احتمالاً اشاره به چیزی «راست‌قامت و سخت» دارند و با واژگان «دار، دارو» فارسی از یک ریشه‌اند (Pokorny, 2007, 607-612). «حقیقت، درخت، دارو، راستی و سختی» از دید بشر کهن روابط تنگاتنگی با یکدیگر داشته، از این رو بز می‌تواند به‌عنوان حیوان «فهمیم ایستاده بر دو پا و علاقمند به دار و دارو و درخت یا حقیقت»، محافظ بزرگی برای حقیقت



ب



الف

تصویر ۱ الف. شاخ بز مرتبط با ماه، نماد باروری و باران، سفالینه، نماد بز کوهی با شاخ‌های بلند و موج، تل باکون فارس، محل نگهداری موزه ملی ایران. مأخذ: گیرشمن، ۱۳۷۲. ب. کاسه تل باکون فارس. مأخذ: Langsdorff & McCown, 1942, P1. 30:7.



تصویر ۳. کاسه سفالی با نماد بز به همراه نقوش، هوم، ماه، شاخ بلند بز، سگ و لک‌لک، نمادهای آب. مأخذ: گیرشمن، ۱۳۷۲، ۲۲.



تصویر ۲. سرو نماد جاودانگی و بز نماد باروری-نگهبان درخت زندگی، درخت سرو منقوش بر آثار حوزه هلیپلرود. مأخذ: مجیدزاده، ۱۳۸۲، ۶۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- گیرشمن، رومن. (۱۳۷۲). *ایران از آغاز تا اسلام* (ترجمه محمد معین). تهران: علمی فرهنگی.
- مجیدزاده، یوسف. (۱۳۸۲). *جیرفت کهن‌ترین تمدن شرق*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- منصوری، یدالله. (۱۳۸۴). *بررسی ریشه‌شناختی فعل‌های زبان پهلوی*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- نیچه، فریدریش ویلهلم. (۱۳۷۷). *تبارشناسی اخلاق* (ترجمه داریوش آشوری). تهران: آگه.
- Cheung, J. (2007). *Etymological dictionary of Iranian verb*. Leiden: Brill.
- de Vaan, M. (2008). *Etymological Dictionary of Latin and the other Italic Languages*. Leiden-Boston: Brill.
- Kroonen, G. (2013). *Etymological Dictionary of Proto-Germanic*. Leiden: University of Leidean Leiden.
- Langsdorff, A. & McCown, D. E. (1942). *Tall-i-bakun A season of 1932*. Chicago: University of Chicago.
- Martirosyan, H. (2010). "ayc", in *Etymological Dictionary of the Armenian Inherited Lexicon* (Leiden Indo-European Etymological Dictionary Series; 8). Leiden: Brill.
- Pokorny, J. (2007). *Proto-Indo-European etymological dictionary: A revised edition of Julius Pokorny's Indogermanisches etymologisches Wörterbuch*. Retrieved Jan 10, 2022, from <https://kostaskonstantinou.com/wp-content/uploads/2015/05/Proto-Indo-European-Eymological.pdf>
- Rezghirad, M. (2017). Analytical and Semantic Survey of the Symbols of the Tree of Life and Goat in Jiroft. *Journal of History Culture and Art Research*, 6(1), 586-601.
- Rotes, M. (2020). Goats in the Ancient Near East and

زاری یا جشن و سور پرداخت.

پی‌نوشت‌ها

۱. اشاره به نظریه خورشیدمرکزی کوپرنیک و انقلاب کانتی که به ترکیب تجربه‌گرایی با عقل‌گرایی انجامید و هردو آغازی مهم برای فهم جدید علمی و فلسفی شد؛ فلسفه و علم معاصر در تمامی شاخه‌هایش مدیون این دو تغییر بنیادین است.
۲. یونانی باستان $\piείθω$ (اعلام می‌کنم، جار می‌زنم)، ایرلندی باستان -adbond- (گفتن، بیان کردن، اعلام کردن)، اسلاوی کلیسایی باستان bljzsti (مراقبت کردن)، گوتی ana-biudan (دستور دادن)، ساسونی باستان anbioda (پیامی را رساندن)، انگلیسی باستان bēodan (اعلام کردن)، پارتی mbwy به معنی (بوسیدن)، ختنی but-/bus-/buv (دریافتن، شناختن، فهمیدن)، ختنی متأخر hambus- (موافق بودن)، سغدی ptβyδ- (فهمیدن، تشخیص دادن، شناختن). طبق نظر چونگ بو (رایحه) و بو (آگاهی، دریافت) باید از دو ریشه هم‌دیس اما متفاوت آمده باشد؛ وی همچنین این نگر را مطرح می‌کند که احتمالاً بو (رایحه) بعدتر از بو (آگاهی، دریافت) مشتق شده است (وی برای توجیه چنین روندی sense را در انگلیسی مثال می‌زند).
۳. در کیهان‌شناسی اساطیر یونان طلوع Capella مربوط به اسطوره بز-نماد وفور آب و طوفان است. سرودهای خوانده‌شده توسط کشاورزان در یونان باستان که به تراگودیا (تراژدی) معروف بوده در اصل به معنی شعر بز، یا شعر برای آیین قربانی بز جهت برکت و حاصل‌خیزی بوده است.
۴. اشاره به ایستادن بز، انسان و راست‌قامتی درخت است.

فهرست منابع

- افضل طوسی، عفت السادات. (۱۳۹۰). گلیم حافظ نگاره بزکوهی از دوران باستان. نگره، (۲۱)، ۵۵-۶۷.
- آورزمانی، فریدون و جواد، شهره. (۱۴۰۱/۸/۱۲). بز نماد زایش و باروری. مصاحبه شخصی.
- جهان‌دیده، عبدالغفور. (۱۳۹۶). فرهنگ بلوچی فارسی؛ شامل بیش از هزار واژه و اصطلاح بلوچی و معنی آن‌ها به فارسی. تهران: معین.
- حسن‌دوست، محمد. (۱۳۸۳). فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- طاهری، اسفندیار. (۱۳۸۹). گویش بختیاری کوه‌رنگ. تهران:

Their Relationship with the Mythology, Fairytale and Folklore of These Cultures. In: Kukovics, S (Ed.), *Goats (Capra) - From Ancient to Modern*. London: IntechOpen.

• Smith, W. (1844). *A new classical dictionary of Greek and Roman biography, mythology and geography*. New York: Harper & Brothers.

• Staszczuk, A. (2020). Goat-headed deities in ancient Indian sculpture. *Jagiellonian University in Kraków*, (9), 27-65.

• Weaver, S. (2021). *The Goat*. Princeton: Princeton University press.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
قناطر، شهاب‌الدین. (۱۴۰۲). بررسی واژه‌شناختی و تبارشناختی «بز» در زبان‌های هندواروپایی و ردیابی آن در نگاره‌های مرتبط با آب و درخت زندگی. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۱۱ (۳۹)، ۳۳-۳۸.

DOI:10.22034/JACO.2023.366758.1272

URL: http://www.jaco-sj.com/article_169094.html

